

یوحناى دمشقى و آغاز مجادلات کلامى

میان اسلام و مسیحیت^(۱)

شادروان مرتضى خلیج اسعدی

دانشکده الهیات دانشگاه تهران

چکیده:

با آنکه قرآن کریم یهودیان را «أَشَدُّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا» معرفی کرده و مسیحیان را «أَقْرَبُهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا» خوانده است علل و عواملی چند موجب گشته که دامنه و شدت مخاصمات مسیحیت علیه اسلام گسترده تر و نیرومندتر از یهود باشد. یوحناى دمشقى را نخستین متکلم مسیحى می دانند که حمله به قرآن و اسلام را به شکل سازمانمند آغاز کرد و آراء و نظریات وی از قرن سوم هجرى مورد نقد و ردّ علمای مسلمان قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: یوحناى دمشقى، ابو عیسی و راق، مطالعات اسلامى، تثلیث، کلام اسلامى و مسیحى

اغلب اسلام شناسان غربى متأخر و معاصر که می خواهند همدلی بیشتری با اسلام نشان بدهند و به حَسَب ظاهر برای آشتی میان اسلام و مسیحیت راهجویی کنند، به انحاء

۱- این نوشته آخرین اثر مکتوب شادروان اسعدی است که چند روز پیش از درگذشت و در بستر بیماری از خود برجای نهاد. دست نویس این مقاله در دفتر مجله محفوظ است.

مختلف در القاء این شبهه می‌کوشند که موجب و موجب همه سوء تفاهمهای اولیه و سپس مجادلات کلامی بعدی تا برخوردهای شدید و خصمانه نظامی میان مسیحیت با اسلام، تعالیم و اشارات اسلام (یعنی قرآن) در باب مسیحیت بوده است. بسیاری از اسامی شناسان متکلم و غیرمتکلم مسیحی، همچون ویلیام مونتگمری وات انگلیسی یا جان اسپوزیتوی ایتالیایی امریکایی شده، یا اسلام شناسان یهودی‌ای همچون برنارد لوئیس انگلیسی، و یا حتی اسلام شناسان لاقید و لامذهبی که هیچ اصراری در اثبات حقایق مسیحیت و کلاً دین ندارند، بر این نظر متفقند و می‌توان اشارات و آراء صریح یا مضموری در این باب در آثارشان یافت (در باب این که انگیزه‌های اسلام شناسان غربی از آغاز شکل‌گیری این جریان تا کنون، برخلاف تصور غالب و رایج، یگانه و یکسان نبوده و بسته به تحولاتی که در تاریخ و فکر و فرهنگ غرب رخ داده، تغییر کرده است، در مجال و مقال دیگری سخن خواهیم گفت). با آن که امروزه مخاصمه جهان مسیحیت با جهان اسلام آنچنان تحول و تنوع و تغییر ماهیت یافته است که دشوار بتوان صرفاً از طریق گفت و شنود کلامی این دو جهان متخاصم را به آشنی با یکدیگر کشاند، بازنگری در میزان صدق چنین باور نیرومندی که عملاً ذهن همه غربیان را تسخیر کرده است در روشن کردن مبادی شکل‌گیری این مخاصمه تاریخی بی‌فایده نیست.

از آنجا که همه ادیان مدعی حقایق اند، انکار ادیان نوظهور از سوی ادیان قدیمی‌تر امر غریبی نیست؛ مصلوب شدن عیسی بن مریم (ع) به دست یهودیان (به شرط قطعی گرفتن وقوع آن)، شاهد بارز همین احساس و افکار است. اما، تأیید صریح و مؤکد همه ادیان الهی سلف از یک دین نوظهور، امری است که جز در جریان ظهور دین اسلام روی نداده بوده است. قرآن مجید قبول حقایق دعوت همه انبیای سلف را مکرراً و مؤکداً از شروط ضروری ایمان و اهتدا دانسته است. در همان ابتدای قرآن، در مطلع سوره بقره می‌خوانیم:

الم * ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین * الذین ... * والذین
یؤمنون بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک و بالآخرة هم یوقنون *
اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون .

(آیات ۱ تا ۵ سوره بقره)

یا باز در همان سوره بقره می‌خوانیم که:

قولوا آمناً بالله و ما أنزل الينا و ما أنزل الى ابراهيم و اسمعيل و اسحق
و يعقوب و الاسباط و ماوتى موسى و عيسى و ماوتى النبيون من
ربهم لأنفركم بين احد منهم و نحن له مسلمون
(آيه ۱۳۶ ، بقره)

و يا باز در همان سوره :

آمن الرسول بما أنزل اليه من ربه و المؤمنون كل آمن بالله و ملائكته
و كتبه و رسله لا نفركم بين احد من رسله ...
(آيه ۲۸۵ ، بقره)

و تقريباً عين همین کلام در آيه ۸۴ سوره آل عمران و بسيارى نظاير آن در سراسر قرآن
مجيد آمده است (برای نمونه نگاه کنيد به آيات ۸۷ و ۱۷۷ سوره بقره ، آيه ۳ سوره آل
عمران ، آيه ۱۳۶ سوره نساء ، آيه ۴۶ سوره مائده ، آيه ۱۵۷ سوره اعراف ، و آيه ۳۹ سوره
يونس) .

قرآن مجيد آنچنان به تکرار و تأکيد از حضرت موسى (ع) و عيسى (ع) و مريم
عذرا و صُحُفِ أُولَى و زبور و تورا و انجيل و همه ما يتعلق بهاي اديان الهى بيش از خود با
احترام و تأييد ياد مى کند که در هيچ دين ديگرى متصور و مشهود نيست . اما ، با اين همه
تجليل و تجليل که اسلام و قرآن از اديان و انبياء سلف مى کند ، و با آن که بنا به فرموده
قرآن مجيد ، تورا و انجيل خبر ظهور اين دين خاتم را داده بوده اند (آيه ۱۵۷ سوره
اعراف) ، خود مورد نفى و انکار عوام و احبار پای بند به اديان پيشين قرار مى گيرد . نفس
ظهور و اظهار اين دعوت جديد را نوعى اعلام مخاصمه با ظاهرى مشربان و متفشران پای
بند به اديان سلف تلقى نکنيم ، بروشنى پيدا است که مخاصمه و انکار از کدام سو آغاز شده
است . در اين ميان ، مخاصمه هاى يهوديان با اسلام على رغم « أشد الناس عداوةً للذين
آمنوا » بودندشان (آيه ۸۲ سوره مائده) ، به لحاظ قلت عدد ايشان به مخاصمه هاى مسيحيان
با دين اسلام طنين و توسعه و تداوم نيافت ، و اين در حالى بود که ايشان بنا به تعبير قرآن
مى بايست « أَقْرَبُهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا » مى بودند (همان آيه ۸۲ سوره مائده) . مهمترين
عامل اين مخاصمه پُر طنين و تداوم ، بعد از همان حس کمابيش طبعى نفى و انکار که به
نحوى کمابيش ناگريز نزد همه پيروان اديان سابق نسبت به دعوتها و اديان لاحق وجود

دارد ، حمله قرآن مجید به تثلیث است . قرآن مجید می فرماید :

« يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح و عيسى ابن مريم رسول الله و كلمته القىها الى مريم و روح منه فامنوا بالله و رسله و لا تقولوا ثلاثة ... »

(آیه ۱۷۱ سوره نساء)

لحن این تخطئه در سوره مائده که بعد از سوره نساء نازل شده ، کاملاً سخت و صریح و آشتی ناپذیر است :

« لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ و قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي و رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و مَا وَهُوَ النَّارُ و مَالِلِ الظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ و مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ و إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ »

(سوره مائده ، آیات ۷۲ و ۷۳)

و حتی بنابه فرموده یکی دیگر از آیات همین سوره ، خداوند حضرت مسیح را مؤاحده می کند که

« ... يا عيسى ابن مريم انت قلت للناس اتخذوني و أمي الهين من دون الله قال سبحانه ما يكون لي أن أقول ما ليس لي بحقي ... »
(سوره مائده ، آیه ۱۱۶)

این حملات سخت و آشتی ناپذیر در حالی به مخاطبین خود می رسد که تثلیث قرنهایست به صورت بنیادی ترین اصل اعتقادی مسیحیان پیرو کلیسای روم در آمده است . با آن که تعبیر یونانی لفظ تثلیث اول بار در حدود سال ۱۸۰ میلادی توسط تنوفیلوس انطاکی به کار رفته ، اما علمای دین مسیح سابقه وجود بارقه هایی از این مفهوم را به برخی متون عهد عتیق و صورت های صریح تر آن رابه برخی از عبارات و تعابیر عهد جدید می رسانند (لیوینگستون ، 521) . هر چه هست ، مسلم است که این آموزه از نیمه های همان قرن نخست میلادی به دست قدیس پولس که بنیادگذار و «نیرومندترین یا مؤثرترین شخصیت در تاریخ کلیسای مسیحی» بوده و رسالاتش شالوده شکل گیری کلام مسیحی را در قرون بعد فراهم آورده (همو ، 386) ، به جازم ترین اصل اعتقادی مسیحیت تبدیل شده بوده است .

نخستین متکلم مسیحی که در دفاع از آموزهٔ تثلیث حمله به قرآن و اسلام را به شکل منظم و سامانمند آغاز کرد یوحنای دمشقی (حدود ۶۷۵ - حدود ۷۴۹ م /) بود. وی از متکلمان نامبردار مسیحی یونانی و از آباء نصرانیت شرقی در قرون وسطی بود که در خانواده‌ای ثروتمند در دمشق چشم به جهان گشوده، و در دستگاه خلافت امویان نمایندهٔ مسیحیان، و چندی خزانه‌دار معاویه در مقام خلافت شام بود. بسیاری از کسانی که در تاریخ تکوین و تطوّر مطالعات اسلامی در غرب تحقیق کرده‌اند، قطع نظر از آنکه برخی اقدام یوحنای دمشقی را موجه دانسته و توجیه و تأیید کرده‌اند (کریستوفر تال^(۱))، 13؛ جرمی یوهانس^(۲)، (179) و برخی برخلاف این نظر بوده‌اند، وی را بانی و آغازگر مطالعات اسلامی غربیان دانسته‌اند. بسیاری از آراء مخالف آمیز و معانده جویانه‌ای که هنوز هم در نکته‌گیریها و بحثهای اسلام شناسان غربی در مخالفت و رد اسلام به عنوان یک دین وحیانی مطرح و مورد تمسک و استناد است، همانهایی است که یوحنای دمشقی برای اولین بار در حملاتش به اسلام مطرح کرده بوده است (نورمن دانیل^(۳))، 3-5). نورمن دانیل به عنوان یکی از محققانی که یکی از برجسته‌ترین آثار را در بررسی تاریخ تکوین و تطوّر مطالعات اسلامی غربیان نگاشته، یوحنای دمشقی را که در کلیسای مسیحی مقام قدیسی دارد، بانی اصلی و واقعی «سنت مسیحی» [بویژه در توضیح و توجیه آموزهٔ تثلیث] دانسته است (همو، 3).

بحث در بارهٔ آراء و مواضع معانده آمیز یوحنای دمشقی که همچنان بانی «سنت مطالعات اسلامی در غرب» نیز هست، مستلزم مجال بیشتر و مقال دیگری است. همین قدر باید گفت که از زمان آغاز بنیادگذاری این سنت سببی توسط یوحنای دمشقی تا شکل‌گیری مقوله‌ای به نام کلام اسلامی در قرن سوم هجری قمری / نهم میلادی، مدتی طولانی آراء و نظریات یوحنای دمشقی به نحوی منظم و مدّون مورد نقد و ردّ علمای اسلامی قرار نگرفته بود؛ نخستین متکلم مسلمانی که به نحو سامانمندی به رد احتیاجات متکلمان مسیحی در دفاع از آموزه تثلیث برآمد، متکلم شیعی، ابو عیسی وراق (متوفی ۲۴۷ ق / ۸۶۱ م) بود. رسالهٔ ردّ علی تثلیث فرق من النصارای او نخستین اثر کلامی اسلامی

1. Christopher Toll

2. Jermy JOhnes

3. Norman Daniel

منظم و مفصل در رد جزمی‌ترین اعتقادات کلیسای مسیحی است که از اوائل قرن سوم هجری / نهم میلادی بازمانده است (ترجمه انگلیسی این رساله ؛ نیز : زریاب خوئی ، ۸۲/۶ - ۸۸) .

منابع :

Anti - Christian Polemic in early Islam - Abu . *Isa al-Warrag's " Against Trinity "* , ed . and translated by David Thomas , cambridge V.P. 1922 ;

برخلاف این منبع که ترجمه و تحقیق تنها اثر بازمانده از ابو عیسی وراق است ، شادروان دکتر عباس زریاب خوئی در مقاله « ابو عیسی وراق » (در دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی ، ج ۶ ، ص ۸۲-۸۶) می‌نویسد : « از کتابها و مقالات متعددی که به او نسبت می‌دهند ، چیزی برجای نمانده است » (ص ۸۲) .

E.A. Livingston (ed .) , *The Concise Oxford Dictionary off the Christian Chureh* , Oxford U.P.1977 (rep 1990) , S.V. « Trinity » .

Christofher Toll , « The Purpose of Islamic Studies » , in *Islam : State and Soeity* , ed . by Klaus Fedin and Mahdi Mozaffari , Curzon Press , 1988 .

Jermy Johanes , « Christianity and Islam » , in the *Oxford Illustrated History of Christianity* , Oxford U.P. 1992 .